

۱- عَيْنُ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ:

«أخذتني الدهشة عندما وجدت في بعض الكتب آراء و نظريات كان المسلمون قد طرحوها لأول مرة!»:

- ① شگفتی مرا فرا گرفت زمانی که افکار و نظراتی را که برای بار اول مسلمین در برخی کتابها طرح کرده بودند یافتم!
- ② حیرت مرا فرا گرفت هنگامی که در بعضی کتابها آراء و نظریاتی یافتم که مسلمانان برای اولین بار آنها را مطرح کرده بودند!
- ③ دچار تعجب شدم وقتی دریافتم در بعضی کتابها آراء و نظریاتی از مسلمانان آمده که برای نخستین بار آنها، آن را طرح کرده بودند!
- ④ دچار حیرت و تعجب شدم هنگامی که افکار و نظراتی را که توسط مسلمین برای بار نخست طراحی شده بود در آن کتابها یافتم!

۲- عَيْنُ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ:

«لم يترك الله شيئاً يحتاج إليه عباده في القرآن، فهو دليلٌ على خير سبيل!» « خداوند .....

- ① چیزی را که بندگانش در قرآن نیاز دارند، رها نموده است، پس قرآن تازه است و راهنمای بهترین راه است!
- ② هیچ چیزی که در قرآن بندگان به آن احتیاج دارند را ترک نکرد، در نتیجه قرآن، جدید و راهنما به بهترین راه است!
- ③ هیچ چیزی را که مورد نیاز بندگان در قرآن است، ترک نمی‌کند، پس آن، جدید و راهنمایی به بهترین راه است!
- ④ چیزی را که بندگانش در قرآن به آن احتیاج دارند، رها نکرده است، پس آن، دلیلی بر بهترین راه است!

۳- «ألم تروا كيف خلق الله سبع سماوات طباقاً»

- ① آیا نمی بینید خداوند هفت آسمان تودرتو را خلق کرده است!
- ② آیا نیاندیشیده‌اید که الله هفت آسمانی خلق کرده که تودرتو بوده است!
- ③ آیا نمی اندیشید چگونه الله آسمان‌های هفت‌گانه را طبقه بر طبقه آفریده است!
- ④ آیا ندیده‌اید که خداوند چگونه هفت آسمانی آفریده است که طبقه طبقه است!

۴- ما هو المناسب لتكميل الفراغ على الترتيب؟ «أنا ..... إلى الملعب منذ السنتين الماضيتين، و لكن أريدُ ..... غداً مع أصدقائي لمشاهدة المباراة!»

- ① لَمْ أَذْهَبْ - أَنْ أَذْهَبَ      ② لَنْ أَذْهَبَ - لَمْ أَذْهَبْ      ③ لَنْ أَذْهَبَ - أَنْ أَذْهَبَ      ④ أَنْ أَذْهَبَ - لَمْ أَذْهَبْ

۵- عَيْنُ الْخَطَأِ فِي التَّرْجُمَةِ:

- ① لَمْ تَسْقُطْ مِنْهُ دُونَكَ! : کسی را که پایین دست توست به پایین مینداز!
- ② لَمْ يَتَكَلَّمِ الْمَعْلَمُ حَوْلَ الْحَفْلَةِ! : معلم پیرامون جشن صحبت نکرده است!
- ③ وَاجْهَنَا الْمُشْرِكُونَ خَائِفِينَ! : مشرکان، هراسان یا ما روبه‌رو شدند!
- ④ نَعِيشُ فِي الدُّنْيَا شَاكِرَاتٍ! : در دنیا شاکرانه زندگی می‌کنیم!

۶- عین الأصحّ و الأدقّ في الأجوبة للترجمة أو التعريب أو المفهوم:

- ① أول مسؤوليّة المرأة المهمّة الاهتمام بالأسرة : نخستین مسؤولیت مهم زن توجه به خانواده است.
- ② فالأخلاقيات التي نشاهدها خارج البيت نتيجة تربية الأمّ : پس اخلاقیاتی که بیرون خانه مشاهده می شود در نتیجه تربیت مادران است.
- ③ لذلك نعتقد أنّ إصلاح المجتمع الحقيقيّ يتركزّ على المرأة : بهمین خاطر معتقدیم که اصلاح جامعه ی حقیقی بر وجود زن متمرکز می باشد .
- ④ و من مسؤولیات المرأة الأخرى مشاركتها في الخدمات الاجتماعية : و از دیگر مسؤولیت های زنان حضور آنان در خدمات اجتماعی خواهد بود!

۷- عین الخطأ في إعراب الكلمات التي تحتها خطّ في العبارات التالية:

- ① و لا يحزنك قولهم إنّ العزّة لله جميعاً: الفاعل
- ② إنّ الامتحانات تساعد الطلاب لتعلّم دروسهم: المفعول
- ③ صارت البساتين جميلةً جداً: خبر الفعل الناقص
- ④ ليس الكاذبون محترمين عند الناس: اسم الفعل الناقص

۸- عین الأصحّ و الأدقّ في الأجوبة للترجمة :

«صباح أحد الأيام كنتُ أوصل طريقي قلقاً!»:

- ① صبح یکی از روزها، راهم را با نگرانی ادامه می دادم!
- ② در صبح یکی از روزها، مسیرم را نگران ادامه می دهم!
- ③ در یکی از روزها، راهی را با نگرانی ادامه می دادم!
- ④ صبح یکی از روزها بود که با این که نگران بودم، راهم را ادامه می دادم!

۹- عين الصحيح في الترجمة: الكافرون كانوا قد حسبوا أنهم يستطيعون أن يقتلوا النبيّ لكنّ المرأة المسلمة دافعت عنه دفاعاً! : كافرين .....

- ① گمان می بردند که می توانند پیامبر خدا را به قتل برسانند، ولی زنی مسلمان حتماً از او دفاع کرده بود!
- ② پنداشته بودند که آن ها می توانند پیامبر را بکشند، ولی زن مسلمان از او قطعاً دفاع کرد!
- ③ گمان برده بودند که آن ها خواهند توانست رسول خدا را بکشند، اما زن مسلمان بدون شک از او دفاع کرده بود!
- ④ می پنداشتند که پیامبر را خواهند کشت، اما آن زن مسلمان یقیناً از او دفاع کرد!

۱۰- عین الأصحّ و الأدقّ في الأجوبة للترجمة :

«كانت المدرسة قد دعت بعض صديقاتي إلى حفلة نجاحنا بعد امتحانات نهاية السنة!»:

- ① پس از امتحانات آخر سال، مدرسه بعضی دوستانم را به جشن قبولیمان دعوت کرده بود!
- ② بعد از قبولی در امتحانات پایان سال، مدرسه برخی دوستان را به جشن قبولی ام دعوت کرد!
- ③ مدرسه ما بعد از امتحانات پایان سال، برای جشن موفقیت ما بعضی دوستان را دعوت کرده بود!
- ④ مدرسه بخاطر قبول شدن ما در امتحانات آخر سال، برخی دوستان را به جشن قبولی ما دعوت کرد!

۱۱- عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّعْرِيبِ :

«مسلمانان در جستجوی علوم، به دورترین نقطه ی کره ی زمین سفر می کردند!» :

- ① كان المسلمون يرحلون إلى أقصى الأرض باحثين عن العلوم!  
 ② كانوا المسلمون يرحلون إلى أقصى الأرض يبحثون عن العلوم!  
 ③ المسلمون كان يسافرون إلى أقصى كره الأرض و هم يبحثون عن العلم!  
 ④ إنّ المسلمين كانوا يسافرون إلى أبعد نقاط الأرض و هم باحثين عن العلوم!

۱۲- عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَالْأَدَقِّ لِلتَّرْجَمَةِ:

زُرْتُ صَدِيقَتِي الَّتِي لَمْ تَشْفَ مِنْ مَرَضِهَا ، ثُمَّ خَرَجْتُ سَرِيعاً لِنَسْتَرِيحِ :

- ① دوستی را که مریضی او معالجه نشده بود زیارت کردم و بعد از رفتن من استراحت کرد.  
 ② رفیقم را که از مرض خود شفا یافته بود ملاقات کردم و برای راحتی او شتابان خارج شدم.  
 ③ دوستم را که از بیماریش بهبودی نیافته بود ملاقات کردم سپس فوراً بیرون رفتم تا استراحت کند.  
 ④ از دوستم دیدن کردم، همان که از بیماری شفا نیافته است سپس سریعاً برای استراحت خارج شدم.

۱۳- عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ:

«لنَعْلَمَ أَنَّ الْكَائِنَاتِ تُسَبِّحُ الْخَالِقَ مَعَ أَنَّهَا مُسَخَّرَةٌ لِلْإِنْسَانِ!» :

- ① همه ی کائنات در تسخیر انسان قرار گرفته تا بدانیم که تمام هستی خالق را ستایش می کند!  
 ② باید بدانیم که کائنات خالق خویش را ستایش می کنند با این که مطیع انسان هستند!  
 ③ می دانیم که تمام هستی با این که در تسخیر انسان قرار دارد به ستایش خداوند مشغول است!  
 ④ باید بدانیم که کائنات با این که در تسخیر انسان است خالق را ستایش می کند!

۱۴- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ: «لَيَنْظُرَ كُلُّ مَنْآ إِلَى مَا يَحْدُثُ لَهُ نَظْرَ الْعَاقِلِ لِيَنْتَفِعَ مِنَ الْوَأَادِثِ فِي الْمُسْتَقْبَلِ!» : هر یک از ما باید .....

- ① به آن چه که برایش اتفاق می افتد، هم چون عاقل نگاه کند تا از حوادث در آینده بهره ببرد!  
 ② به چیزی که برای او پیش می آید نگاه کند، مانند نگاه کردن خردمندان برای این که از حادثه ها در آینده سود ببرد!  
 ③ به هر حادثه ای که برای او پدید آید، عاقلانه بنگرد تا حادثه ها در آینده به او نفع برسانند!  
 ④ به حادثه ی مربوط به خویش بنگرد، مانند نگریستن عاقلان تا از حوادث در آینده سود ببرد!

۱۵- عَيْنِ الْخَطَأِ فِي مَعَانِي الْأَفْعَالِ التَّالِيَةِ:

- ① تَيَأَسُ: ناامید می شوی / لَمْ يَسْمَعُوا: نشنیده اند  
 ② لَنْ تَيَأَسَ: ناامید نخواهی شد / لِيُرْجَعُ: باید برگردد  
 ③ لَا تُرْسِلُون: نفرستید / تُسَاعِدُ: کمک می کند  
 ④ لَمْ تَكْتُبِينَ: ننوشتید / لَنْ يَذْهَبَ: نخواهد رفت

۱۶- ■■■ اَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

- ① لَمْ أُسَافِرْ إِلَى مَشْهَدٍ فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ!  
② نَحْنُ لَنْ نَرْجِعَ إِلَى الْمَلْعَبِ غَدًا!  
③ مَنْ لَا يَتَكَلَّمُ لَا يَعْرِفُ شَأْنَهُ!  
④ رَأَيْتُ طَالِبًا فِي الْمَدْرَسَةِ يَمْشِي بِسُرْعَةٍ!

۱۷- ■■■ عَيِّنِ الْمُنَاسِبَ لِلْجَوَابِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

- أَيُّ فِعْلٍ لَيْسَ مَعْنَاهُ مَنْفِيًّا؟  
① لَنْ أَنْسَى تَضْحِيَاتِ جُنُودِ الْوَطَنِ أَبَدًا!  
② لَنْسَمَعُ إِلَى الْكَلَامِ الْحَقِّ وَنَقْبُلُهُ!  
③ لَا يَبِئْسُ الْمُؤْمِنُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ فِي حَيَاتِهِ!  
④ لَمْ يَنْجِحِ الطَّالِبُ الْمُشَاغِبُ فِي الْإِمْتِحَانِ!

۱۸- ■■■ اَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

- عَيِّنِ عِبَارَةَ لَيْسَ فِيهَا مَعْنَى مُضَارِعٍ:  
① إِنَّ الْمَعْلَمِينَ يُوَاجِهُونَ مَشَاكِلَ فِي حَيَاتِهِمْ،  
② لَئِنْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ،  
③ وَ لَكِنْ لَمْ يَفِرُّوا مِنْهَا صَابِرِينَ،  
④ وَ بِمَنْ اللَّهِ تَعَالَى أَكْثَرُهُمْ يَنْجِحُونَ!

۱۹- عَيِّنِ الْأَصْحَحَ وَ الْأَدَقَّ فِي التَّرْجُمَةِ:

«ما كانت لي معدّات حديثة فلذا ما كنت أستطيع أن أغوص في البحر!»

- ① من تجهيزات جديد را نداشتم لذا نتوانستم که در دریا غواصی کنم!  
② برای من تجهیزات جدیدی نبود که با آن بتوانم در دریا غواصی کنم!  
③ من نمی توانستم در اعماق دریا غواصی کنم زیرا تجهیزات من جدید نبود!  
④ من تجهیزات جدیدی نداشتم لذا نتوانستم که در دریا غواصی کنم!

۲۰- عَيِّنِ الْأَصْحَحَ وَ الْأَدَقَّ فِي التَّرْجُمَةِ:

«كنتُ أعرفُ تلميذاً مجتهداً قد كتبَ أكثرَ مقالاته في صحفِ المدينة!»

- ① من دانش آموز کوشایی را معرفی کردم که بیشتر مقالات را در روزنامه های این شهر نوشته است!  
② دانش آموز تلاشگری را می شناختم که بیشتر مقالات او در روزنامه ی شهر نوشته شده بود!  
③ من دانش آموزی را می شناسم که اکثر مقالاتش در روزنامه های شهر به چاپ رسیده است!  
④ دانش آموز کوشایی را می شناختم که بیشتر مقالاتش را در روزنامه های شهر نوشته بود!